

مرثیه‌سرایی بانوان اهل بیت علیهم‌السلام در شهادت امام حسین علیه‌السلام با تأکید بر اشعار ام لقمان

دکتر علی فارسی مدان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹

چکیده

بانوان اهل بیت علیهم‌السلام، با مرثیه‌سرایی، عزاداری و سرودن اشعار، نقش بسزایی در حفظ یاد شهدای کربلا داشتند. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی به این سؤال اساسی پاسخ دهد که کدام‌یک از زنان هاشمی بعد از آگاهی و اطلاع از شهادت امام حسین علیه‌السلام در مدینه با سرودن اشعار به عزاداری پرداختند؟ بر این اساس مقاله حاضر معرفی مرثیه‌سرایی ام سلمه، ام البنین و دختران عقیل بن ابی طالب مانند اسماء، زینب، رمله، فاطمه، ام لقمان و بررسی اشعار ام لقمان پرداخته است. بیشتر مورخان و محدثان اشعار ام لقمان را ذکر کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دو عنصر انتخاب مکان شعر گفتن و توجه به زبان بدن موجب اهمیت اشعار او و سبب همراهی زنان هاشمی و دیگر مردم مدینه با ام لقمان شده‌است. **کلیدواژه‌ها:** امام حسین علیه‌السلام، ام لقمان، شعر عاشورایی، مرثیه‌سرایی.

۱. دانش آموخته سطح چهار فقه و اصول حوزه علمیه قم. alifarsimadan98@gmail.com

یکی از راه‌های زنده نگه داشتن نهضت حسینی، مرثیه‌سرایی و سرودن اشعار عاشورایی است. شعر یکی از ابزارهای مؤثر در نشر افکار و عقاید است. لذا شاعران پس از واقعه عاشورا با اشعار حماسی در عزای شهادت امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا نقش مهمی را در تبیین نهضت حسینی ایفاء کردند. اهمیت شعر از آن جهت مهم و ضروری بود که بعد از واقعه کربلا، جامعه دچار خفقان سیاسی شد و امام سجاد علیه السلام با عزاداری و گریه به حفظ حماسه عاشورا پرداخت. بدین جهت شعر و اشعار عاشورایی اهمیت خاصی پیدا کرد و مرثیه‌های حسینی از کربلا شروع و در مدینه تداوم پیدا کرد. البته در طول تاریخ افرادی مانند کمیت و دعبل خزاعی و دیگران ماندگار شدند. در میان بانوان هاشمی، ام سلمه نخستین کسی بود که در مدینه برای امام حسین علیه السلام سوگواری و عزاداری کرد (یعقوبی، بی تا: ۲/ ۲۴۵). ایشان در مسجد النبی خیمه زد، در آن نشست و لباس سیاه پوشید (مغربی، ۱۴۰۹: ۳/ ۱۷۱). همچنین افرادی مانند ام البنین و دختران عقیل بن ابی طالب با اشعار خود به عزاداری و سوگواری پرداختند. یکی از بانوانی که اشعار حماسی در شهادت امام حسین علیه السلام سرود، ام لقمان است. ایشان پس از شنیدن خبر شهادت امام حسین علیه السلام، در مدینه کنار بقیع مجلس عزاداری تشکیل داد و با حضور خواهرانش در سوگ امام حسین علیه السلام با سرودن اشعار مرثیه‌سرایی کرد و تحول روحی و معنوی در میان مردم به وجود آورد. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی با تأکید بر اشعار حماسی به بررسی سوالات زیر خواهد پرداخت:

۱. ام لقمان اشعار شهادت امام حسین علیه السلام را در کجا بیان کرد؟

۲. اشعار ام سلمه در چه منابعی ذکر شده است؟

۳. عناصر تاثیرگذار در شعرا ام لقمان چیست؟

۴. شعر و مرثیه در جاودانگی کربلا چه نقشی دارد؟

۵. گریه، عزاداری، شعرخوانی و مرثیه‌خوانی چه آثار و برکاتی دارد؟

نویسندگان و پژوهشگران درباره اشعار حماسی و اشعار عاشورایی قلم فرسایی کرده‌اند، اما این مقاله درصدد است به بانوان مرثیه‌سرای اهل بیت علیهم السلام که در شهادت



امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا با اشعار حماسی خود عزاداری کردند، پیردازد. البته در این مقاله به اشعار ام لقمان و عناصر تأثیرگذار آن توجه بیشتری شده است.

مفهوم شناسی

۱- مرثیه

مرثیه به معنای مداحی کردن بعد از مرگ و گریه برایشان است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/۳۰۹؛ حسینی، ۱۴۱۴: ۱۹/۴۴۷). در لغت نامه دهخدا، مرثیه در معانی «مرده ستایی، عزاداری، شرح محامد و اوصاف مرده، چکامه‌ای که در عزای از دست رفته‌ای سرایند، در عزای کسی شعر سرودن، گریستن بر مرده و برشمردن و ذکر محاسن وی، سوگواری، روضه، مراسم عزایی که به یاد شهیدان راه دین و به خصوص در ایام محرم و به یاد واقعه کربلا برپا کنند، اشعاری که در ذکر مصائب و شرح شهادت پیشوایان دین و بخصوص شهیدان کربلا سرایند و خوانند»، آمده است. منظور از مرثیه در این پژوهش، گفتن شعر و ذکر مصیبت‌های امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا است تا احساسات و عواطف مردم را برانگیزانند و نتیجه نهایی آن یادآوری فلسفه و چرایی قیام عاشورا و نزدیکی به امام حسین علیه السلام است. حتی در کتاب فقهی جواهر الکلام آمده است، اگر مرثیه خوانی و نوحه‌گری بر امام حسین علیه السلام به گونه صحیح باشد و حق قلمداد شود، غنای حرام محسوب نمی‌شود (نک. نجفی، ۱۴۰۴: ۲۲/۵۵).

۲- شعر

شعر در اصل به معنی دانستن و توجه خاص است و در اصطلاح به کلام موزون و قافیه‌دار اطلاق می‌شود که در آن دقت و ذوق مخصوص به کار رفته است (قرشی، ۱۴۱۲: ۴۳/۴۳). به عبارت دیگر شعر، سخنی ادبی، غالباً موزون و دارای قافیه است که عواطف و تخیل‌گوینده را بیان می‌کند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۴/۶۸۲). منظور از شعر در این پژوهش، اشعاری است که در مدح و مصیبت اهل بیت علیهم السلام گفته می‌شود. بدین جهت ابوطالب علیه السلام به فرزندانش شعر آموخت (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷/۳۳۱). خواندن شعر در مدح و رثای اهل بیت علیهم السلام؛ به ویژه مصائب حضرت امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا مستحب

بوده و در روایات به آن ترغیب و تأکید شده است. براین اساس در کامل الزیارات به «ثواب کسی که بواسطه گفتن شعر در مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام گریه کند و دیگران را بگریاند» اشاره شده (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۴) و یا در ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۸۳) و وسائل الشیعه (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴ / ۵۹۳) استحباب سرودن شعر در شأن اهل بیت علیهم السلام آمده است. در این صورت اشعار مستند به واقعیت بوده و با شعر [معمولی که] بیشتر توأم با تخیلات است (قرشی، ۱۴۱۲: ۴۳) متفاوت خواهد بود. در فقه نیز سرودن شعر در صورتی که در آن فحش، ناسزا و بیان زیبایی های زن مؤمن نباشد، مباح و در غیر این صورت حرام است (حلی، ۱۴۱۰: ۲ / ۱۲۴؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۴ / ۱۸۱).

۳- ام لقمان

در اسناد تاریخی از شرح حال أم لقمان، بنت عقیل بن ابی طالب اطلاع چندانی در دست نیست (مظفری، ۱۳۸۳: ۱۹۵). اما با مطالعه و تطبیق اسناد و گزارش هایی روشن شد، مورخان و نویسندگان نام ایشان را زینب دختر عقیل بن ابی طالب ثبت کرده اند (مصعب، ۱۹۹۹: ۸۴؛ اعلمی حائری، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۵۷؛ ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۴۰؛ السمهودی، ۱۴۰۵: ۳ / ۳۸۹). البته برخی ایشان را با عنوان زینب صغری آورده اند (مغربی، ۱۴۰۹: ۳ / ۵۴۷؛ ابن المغازلی، ۱۴۲۴: ۳۰۷؛ تاریخ امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۸: ۷ / ۲۱۲). نام مادر ایشان، أم ولد است. او بزرگترین دختر عقیل و باهوش ترین آنها بود (اهل البيت فی مصر، ۱۴۲۷: ۴۵۳؛ تاریخ امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۸: ۱۴ / ۱۰).

نقش مرثیه و شعر در جاودانگی کربلا

۱- اهمیت و جایگاه شعر

یکی از مؤلفه ها و عناصر مهم در ماندگاری و جاودانگی کربلا، شعر و مرثیه است. بدین جهت ائمه معصومین علیهم السلام بر مرثیه خوانی و سرودن شعر تأکید فراوان داشتند. تاریخ ائمه علیهم السلام گواه و شاهد بر این مطلب است و می توان به شاعران برجسته و توانمندی همچون دعبل اشاره کرد. در روایتی امام رضا علیه السلام به دعبل خزاعی فرمود:

يَا دَعْبِلُ أَحِبُّ أَنْ تُنْشِدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ أَيَّامَ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛

(مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۲۵۷؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۳۸۶)

ای دعبل، دوست دارم برایم شعر بسرایی و بخوانی، چون این روزها (ایام عاشورا)، روزهای اندوه و غمی است که بر ما اهل بیت رفته است.

اهمیت شعر و مرثیه خوانی بعد از واقعه عاشورا به جهت اختناق و خفقان شدید جامعه، دوچندان شد. امام سجاد علیه السلام برای حفظ آثار و برکات خون سید الشهداء علیهم السلام و زنده ماندن خط مشی اسلام، به دعا، گریه و عزاداری پرداخت. در مجلسی در شام؛ خطیب به دستور یزید بر منبر رفت و به سب و نکوهش و سرزنش امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام پرداخت و در مدح و تمجید معاویه و یزید صحبت کرد. امام سجاد علیه السلام در پاسخ به ایشان به ایراد صحبت پرداخت و برای تکمیل سخنان خود شعر «ابن سنان خفاجی» را انشاد کرد که در وصف علی و فرزندانش علیهم السلام چنین سروده بود:

اعلی المنابر تعلنون بسبّه بسیفه نصبت لكم أعوادها

«بالای منبرها به طور آشکار از امیرالمؤمنان علی علیه السلام بدگویی می‌کنید، با اینکه با شمشیر آن حضرت، چوب‌های منبر برای شما نصب و استوار گشت» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۸۷-۱۸۸).

بعد از امام سجاد علیه السلام، سایر ائمه علیهم السلام نیز مردم و شاعران را به شعر خوانی و مرثیه خوانی برای امام حسین علیه السلام تشویق کردند. ابوهارون مکفوف می‌گوید، بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، حضرت به من فرمودند: برایم شعر بخوان، پس برای آن حضرت شعر خواندم. حضرت فرمودند: «فَقَالَ لَا كَمَا تُنْشِدُونَ وَ كَمَا تَزِيهِ عِنْدَ قَبْرِهِ»؛ نه، آن طور که در جمع خودتان می‌خوانی و به همان نحو که در کنار قبر آن حضرت (حضرت امام حسین علیه السلام) مرثیه می‌خوانی، بخوان. ابوهارون می‌گوید: پس این شعر را برای آن حضرت خواندم:

أَمْرٌ عَلَيَّ جَدَّتِ الْحُسَيْنِ فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الزَّكَاةِ^۱

ابوهارون می‌گوید: وقتی حضرت گریستند، خواندن را متوقف کردم، پس حضرت فرمودند: بگذر، پس من گذشتم، سپس فرمودند: بیشتر برایم بخوان، بیشتر برایم بخوان. ابو

۱. گذر کن بر قبر حسین بن علی علیه السلام، پس به استخوان‌های پاک و مطهرش بگو.

هارون می‌گوید: این بیت را خواندم:

يَا مَرْيَمُ قُومِي فَأَنْدُبِي مَوْلَاكِ وَ عَلَى الْحُسَيْنِ فَأَسْعِدِي بِيْكَائِي^۱

ابوهارون می‌گوید: پس از خواندن این بیت، حضرت گریست و زنان شیون وزاری

کردند. وقتی بانوان آرام گرفتند حضرت به من فرمودند:

مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَبْكِي عَشْرَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ ثُمَّ جَعَلَ يَنْقُصُ وَاحِدًا وَاحِدًا حَتَّى
بَلَغَ الْوَاحِدَ - فَقَالَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ فَأَبْكِي وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ ثُمَّ قَالَ مَنْ ذَكَرَهُ
فَبْكِي فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۵-۱۰۶)

کسی که در مرثیه حضرت امام حسین علیه السلام شعر بخواند و ده نفر را بگریاند بهشت برای او است. سپس حضرت نفرات گریه‌کنندگان را یکی یکی کاهش داده تا به «واحد» رسیده و فرمودند: کسی که در رثاء حضرت حسین علیه السلام شعر خوانده و یک نفر را بگریاند بهشت برای او است. سپس فرمودند: کسی که یاد امام حسین علیه السلام کرده و برای آن حضرت بگرید بهشت برای او است.

۲- آثار شعر و مرثیه

توصیه و سفارش شعرخوانی و مرثیه خوانی توسط شاعران علاوه بر حفظ حماسه عاشورا؛ آثار و برکات فراوانی دارد که عبارتند از:

۱. تعظیم شعائر دینی

عزاداری و مرثیه بر امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا و بزرگداشت اولیای دین از مصادیق تعظیم شعائر دینی است که خداوند می‌فرماید:

وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ (حج/ ۳۲)

هرکس نشانه‌های خدا را تعظیم کند، این کار از تقوای دلها است.

براین اساس عزاداری، مرثیه و شعر بر امام حسین علیه السلام احیای امر دین است. چنانکه امام صادق علیه السلام با لحن و بیان تشویق‌گونه خطاب به فضیل بن یسار می‌فرماید: آیا مجلس

۱. ای مریم (مادر حضرت عیسی علیه السلام) بایست و بر سرور خود ندبه وزاری نما، زاری کن بر حضرت حسین علیه السلام و با این زاری و گریه خود او را نصرت و یاری نما.

تشکیل می‌دهید و باهم درباره‌ی ما سخن می‌گویید؟ فضیل گفت: آری. امام علیه‌السلام فرمود:

إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحْبُّهَا، فَأَحْيُوا أَمْرَنَا يَا فُضَيْلُ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا؛ (حمیری،
۱۴۱۳: ۳۶)

من این مجالس را دوست دارم، پس هدف ما را زنده نگه دارید. خدا رحمت کند کسی را که هدف و امر ما را احیا کند.

۲. مخالفت با حاکمان جور

سروده‌ها و مرثیه‌های شاعران در مدح و مرثیه اهل بیت علیهم‌السلام، به طور ضمنی خلفای جور و مظالم حکام غاصب را هم مورد انتقاد قرار می‌دادند (محدثی، ۱۳۷۶: ۴۱۳). بدین جهت شعربهترین ابزار برای تنفraz حاکمان ظلم و جور محسوب می‌شود.

۳. محبت به امام حسین علیه‌السلام

گریه و عزاداری در قالب شعرخوانی و مرثیه خوانی بر امام حسین علیه‌السلام، «نشانه نوعی محبت به حضرت و تنفر نسبت به ظلمی که برایشان شده است و همچنین تنفraz دشمنان حضرت است. موجب می‌شود که در وجود عزادار نوعی پیوند قلبی و سنخیت با وجود مقدس آن حضرت ایجاد شود که این پیوند به نوبه خود محبت به ایشان را افزایش می‌دهد» (شجاعی، ۱۳۸۵: ۹۴).

۴. تبلیغ دین

در شعر مذهبی، نظر کلی بر نشر مبادی دین، احیای حقایق ایمان، زنده کردن دل‌ها، جاری ساختن خون حماسه و تعهد در رگ‌ها است (محدثی، ۱۳۷۶: ۴۱۳).

۵. الگوگیری

در شعر خوانی، مرثیه خوانی، گریه و عزاداری بر «سیدالشهداء علیه‌السلام موجب سنخیت و شباهت با اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود و اینکه عزادار مورد پسند و رضای خدا و اهل بیت علیهم‌السلام قرار گیرد، به الگوگیری از آنها می‌پردازد و در سایه الگوگیری به خودسازی و سازندگی‌های زیادی دست می‌زند» (شجاعی، ۱۳۸۵: ۹۵).

زنان مرثیه‌سرای اهل بیت علیهم‌السلام

بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام، بانوان اهل بیت علیهم‌السلام نقش مهمی در تبلیغ و احیای

نهضت حسینی ایفاء کردند. یکی از روش‌های مؤثر بانوان در این جهت مرثیه‌سرایی و ذکر مصیبت برای شهدای واقعه عاشورا است. در اینجا به برخی از افرادی که به سوگواری پرداختند اشاره می‌کنیم:

۱- امّ سلمه

اولین شخصیتی که در مدینه برای امام حسین علیه السلام سوگواری کرد، امّ سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. نقل شده پیامبر صلی الله علیه و آله شیشه‌ای را که در آن خاکی بود به او داد و فرمود: «ان جبرئیل اعلمنی ان امتی تقتل الحسین»؛ جبرئیل به من خبر داده، امت من حسین علیه السلام را می‌کشند. سپس فرمودند: «اذا صارت دما عبیطا فاعلمی ان الحسین قد قتل»؛ هرگاه خون تازه گردید، بدان که حسین کشته شده. خاک نزد امّ سلمه بود و چون وقت آن رسید، دید که خاک خون گردیده؛ فریاد برآورد: ای حسین، ای پسر پیامبر خدا، پس زنان از هرسوشیون برآوردند تا از شهر مدینه چنان شیونی برخاست که هرگز مانند آن شنیده نشده بود (یعقوبی، بی تا: ۲ / ۲۴۵ - ۲۴۶).

۲- امّ البنین

امام علی علیه السلام بعد از شهادت حضرت فاطمه علیها السلام با انتخاب برادرش جناب عقیل، با فاطمه ام البنین فرزند حزام بن خالد ازدواج کرد (امین، ۱۴۰۳: ۸ / ۳۸۹). ثمره این ازدواج، چهار فرزند به نام‌های عباس، عبدالله، جعفر و عثمان بود که همگی در کربلا به همراه امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند (طبری، ۱۳۸۷: ۵ / ۱۵۳؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۳ / ۳۹۷). ام البنین، شخصیتی ادیب و شاعری فصیح و شجاع بود (امین، ۱۴۰۳: ۸ / ۳۸۹). وی در واقعه کربلا حضور نداشت اما علاقه شدیدی به امام حسین علیه السلام داشت. چنانکه در گزارش تاریخی آمده؛ بعد از شهادت امام علیه السلام و یارانش، بشیر به مدینه بازگشت و ام البنین را ملاقات کرد، خواست تا خبر شهادت فرزندان را به ایشان بگوید، ام البنین گفت: درباره حسین علیه السلام بگو. بشیر قتل فرزندان را یکایک به او خبر داد. ام البنین گفت: رگ قلبم را پاره کردی. بچه‌هایم و آنچه زیر آسمان است فدای ابا عبدالله علیه السلام. از حسین علیه السلام برایم بگو (مامقانی، بی تا: ۳ / ۷۰). مامقانی پس از نقل گفتگوی

ام البنین با بشیر می‌گوید: «فإن علقته بالحسین علیه السلام لیس إلا لامامته علیه السلام و تهوینها علی نفسها موت مثل هؤلاء الاشبال الاربعة ان سلم الحسین علیه السلام یکشف عن مرتبة فی الدیانة رفیعة و ائی اعتبرها لذلك من الحسان»؛ علاقه و ارادتش به امام حسین علیه السلام به سبب امر امامت بود (زیرا حسین علیه السلام امام و پیشوایش بود) و اینکه به شرط سلامت حسین علیه السلام، مرگ چهار فرزندش را بر خود آسان گرفت. این نشان از درجه عالی ایمان اوست، من او را از نیکان به حساب می‌آورم (مامقانی، بی تا: ۳ / ۷۰-۷۱). سماوی (۱۴۱۹: ۶۴) نقل کرده‌ام البنین هر روز به همراه عبیدالله (فرزند حضرت ابوالفضل علیه السلام) به بقیع می‌رفت و برای امام حسین علیه السلام و فرزندانش نوحه سرایی می‌کرد، مردم مدینه از جمله مروان حکم برای شنیدن نوحه سرایی آن بانو، گرد می‌آمدند و از سوز و گداز آن نوحه سرایی می‌گریستند، آنجا که می‌فرمود:

یا من رأی العباس کّر	علی جماهیر النقد
و وراه من أبناء حیدر	کلّ لیث ذی لبد
انبتت أن ابنی اصیب	برأسه مقطوع ید
ویلی علی شبلی أما	ل برأسه ضرب العمد
لوکان سیفک فی ید	یک لمادنا [منک] أحد

ای کسانی که عباس را دیده‌اید برگله گوسفندان حمله می‌برد و پشت سرش فرزندان حیدر هر یک به سان شیری شجاع بودند. به من خبر دادند که گرز آهنین بر سر فرزندم زده‌اند و دست‌هایش از بدن جدا شده بود. دل‌ها برای شیر بچه‌ام بسوزد که عمود بر سرش نواختند. عباسم! اگر شمشیر در دست داشتی، کسی جرأت نزدیک شدن به تو را نداشت. و نیز می‌فرمود:

لا تدعوئی و یک ام البنین	تذکرینی بلیوث العرین
کانت بنون لی ادعی بهم	والیوم اصبحت ولا من بنین
أربعة مثل نسور الربی	قد واصلوا الموت بقطع الوتین
تنازع الخرصان أشلائهم	فکلهم أمسی صریعا طعین



یالیت شعری اکما أخبروا بأن عبّاسا قطیع الیمین
دیگر مرا ام البنین نخوانید که من را به یاد شیربچه هایم می افکنید. تا وقتی چهار پسر
داشتم ام البنین بودم، ولی امروز دیگر پرسی ندارم که مرا ام البنین گویند. چهار پسر
داشتم که چون ستاره می درخشیدند بر سر جنازه هایشان نیزه ها با یکدیگر در افتادند و
همه آنها از ضربت نیزه بر زمین افتادند و همه با قطع رگ های گردنشان به شهادت
پیوستند. ای کاش می دانستم همان گونه که خبر دادند، آیا درست است که دست
راست عباسم از بدن جدا شده است.

۳- دختران عقیل بن ابی طالب

اسماء: وی با عمر بن علی بن ابی طالب ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد
(مصعب، ۱۹۹۹: ۸۰). برادر ایشان مسلم بن عقیل از یاران باوفای امام حسین علیه السلام و
شهادت نهضت حسینی بود (مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۶۳)، بدین جهت ایشان از زنان داغدار
واقعه تلخ عاشورا است. در منابع معتبر (نک. مفید، ۱۴۱۳ الف: ۳۱۹؛ طوسی، ۱۴۱۴:
۸۹، ۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۱۸۸؛ مقرر، ۱۴۲۶: ۳۵۳) نقل کرده اند، وقتی خبر
شهادت امام حسین علیه السلام به مدینه رسید، اسماء دختر عقیل بن ابی طالب در میان
گروهی از زنان خاندانش بیرون آمد تا به آرامگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، پس خود را به قبر
مبارک چسبانید و ناله و فریاد کرد، سپس رو به مهاجرین و انصار کرد و این
اشعار را گفت:

مَاذَا تَقُولُونَ إِنْ قَالَ النَّبِيُّ لَكُمْ يَوْمَ الْحِسَابِ وَصِدْقُ الْقَوْلِ مَسْمُوعٌ
خَذَلْتُمْ عَتْرَتِي أَوْ كُنْتُمْ غُيَّبًا وَالْحَقُّ عِنْدَ وَلِيِّ الْأَمْرِ مَجْمُوعٌ
أَسَلَمْتُمُوهُمْ بِأَيْدِي الظَّالِمِينَ فَمَا مِنْكُمْ لَهُ الْيَوْمَ عِنْدَ اللَّهِ مَشْفُوعٌ
مَا كَانَ عَنْهُ عِدَاةَ الظُّلَمِ إِذْ حَضَرُوا تِلْكَ الْمَتَايَا وَلَا عَنْهُمْ مَدْفُوعٌ

شما چه جواب دارید اگر پیامبر صلی الله علیه و آله در روز قیامت به شما بگوید و البته که گفتار
راست شنیده خواهد شد. شما دست از یاری عترت و خاندان من برداشتید یا اینکه
غائب بودید؟ در حالی که حق نزد ولی امر محفوظ و فراهم بود. شما آنان را بدست
ظالمان سپردید، پس امروز به نفع هیچ یک از شما نزد خداوند کسی که شفاعتش پذیرفته

باشد، وجود ندارد. چه شد که شما در صبح روز طَفَّ آنان را به هنگامی که با انواع بلاهای مرگبار رو برو شدند یاری نکردید و آن بلاها به هیچ وجه از آنان دفع و ردّ نشد؟! سپس راوی گفت:

فَمَا رَأَيْنَا بَاكِيًا وَلَا بَاكِيَةً أَكْثَرِمَا رَأَيْنَا ذَلِكَ الْيَوْمَ؛ (همان)

ما تا آن زمان به قدر آن روز مرد و زن گریان ندیده بودیم.

زینب: یکی از بانوان اهل بیت علیهم السلام که بر امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا مرثیه سرایی و عزداری کرد، زینب دختر عقیل است. زینب با علی بن یزید از فرزندان مطلب بن عبد مناف ازدواج کرد و صاحب فرزندی از جمله عبده شد که مادر وهب بن وهب ابو البختری قاضی است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/ ۲۲۱). بنا بر نقل ابن طاوس، عبیدالله بن زیاد به یزید بن معاویه و عمرو بن سعید بن عاص والی مدینه داستان کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش و اسارت اهل بیت علیهم السلام را گزارش داد. عمرو بن سعید، با دریافت خبر تلخ کربلا به منبر رفت و خطبه خواند و ماجرای عاشورا را به مردم اعلان داشت. این خبر و مصیبت بر بنی هاشم سخت ناگوار آمد و آنان آداب عزاداری را برپاداشتند و زینب دختر عقیل بن ابی طالب بر امام حسین علیه السلام مرثیه سرود و این اشعار را خواند:

مَاذَا تَقُولُونَ إِنْ قَالَ النَّبِيُّ لَكُمْ
بِعِزَّتِي وَأَهْلِ بَيْتِي بَعْدَ مُفْتَقِدِي
مَا كَانَ هَذَا جَزَائِي إِذْ نَصَحْتُ لَكُمْ
أَنْ تَخْلُقُونِي بِسُوءِ فِي ذَوِي رَحِمِي

چه خواهید گفت آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله از شما بپرسد: شما که آخر امتهاید چه کردید؟ با عزت و اهل من بعد از رحلت من، بعضی اسیر و برخی دیگر بخونشان آغشته شدند. و اگر به شما توصیه می‌کردم که با اهل بیتم بدی کنید هرگز بدین قدر که کردید نمی‌رسید. راوی نقل کرد، چون شب فرا رسید مردم مدینه شنیدند که هاتفی ندا داد و می‌گفت:

أَيُّهَا الْقَاتِلُونَ ظَلَمْتُمْ حَسِينًا
كُلٌّ مِنْ فِي السَّمَاءِ يَبْكِي عَلَيْهِ
أَبْشُرُوا بِالْعَذَابِ وَالتَّنْكِيلِ
مَنْ نَبِيٍّ وَشَاهِدٍ وَرَسُولٍ

۱. روز عاشورا که در سرزمین طف یعنی کربلا واقع شد.

قد لعنتم علی لسان بن داود و موسی و صاحب الإنجیل
 ای آنانی که حسین را از سرستم کشتید، شما را به عذاب و کیفر بشارت باد. هرآن که
 در آسمان است و هر پیامبر و رسول و شاهدی براو بگریست. شما بر زبان سلیمان و
 موسی و عیسی لعنت شده‌اید (ابن طاوس، ۱۳۴۸: ۱۶۹-۱۷۰). برخی دیگر از مورخان و
 نویسندگان همچون ابن حیون مغربی (۱۴۰۹: ۱۹۹ / ۳)، مصعب بن عبد الله (۱۹۹۹: ۸۴-
 ۸۵)، بلاذری (۱۴۱۷: ۲۲۱ / ۳) این ابیات و مرثیه سرایی و عزاداری زینب را ذکر کرده‌اند.
رمله: امین در اعیان الشیعة، رمله را بزرگترین دختر عقیل بر شمرده و می‌گوید، ایشان
 جزو افرادی است که در حالی که برای امام حسین علیه السلام و شهدای طف گریه می‌کرد این
 اشعار را سرود:

ما ذا تقولون ان قال النبی لکم ما ذا فعلتم و أنتم آخر الأمم
 بعترتی و باهلی بعد مفتقدی منهم أساری و منهم ضرجوا بدم
 چه می‌گویید، اگر پیامبر به شما بگوید، چه کردید، در حالی که بهترین امتها هستید.
 با عترت و با یاران و ذریه‌ام که بعضی از آنان اسیر و بعضی کشته و آغشته به خون
 گشته‌اند (امین، ۱۴۰۳: ۳۶ / ۷).

فاطمه: قندوزی در *ینایع المودة* فاطمه را از دختران عقیل ذکر کرده که برای امام
 حسین علیه السلام این اشعار را سروده است:

عینی ابکی بعبرة و عویل و اندبی إن ندبت آل الرسول
 تسعة کلهم لصلب علی قد أصیبوا و خمسة لعقیل
 ای چشم من! با اشک و شیون، گریه کن و سوگواری نما اگر برای خاندان پیامبر
 سوگواری کنی. نه نفر از آنان، از نسل علی بودند که نابود شدند و پنج نفر از نسل عقیل
 بودند (قندوزی، ۱۴۲۲: ۴۷ / ۳).

أم لقمان: یکی از بانوانی که بعد از آگاهی و اطلاع از شهادت امام حسین علیه السلام در زنده
 نگه داشتن یاد شهدای کربلا به مرثیه سرایی و بیان شعر پرداخت و نقش اساسی ایفاء
 کرد، ام لقمان بود. وی پس از شنیدن خبر شهادت امام حسین علیه السلام، با روی باز از خانه‌اش
 در مدینه بیرون آمد و مجلس عزاداری تشکیل داد و با حضور خواهرانش در سوگ سالار

شهیدان مرثیه سرایی کرد (مظفری، ۱۳۸۳: ۱۹۵). البته سمعانی (۱۳۸۲: ۸ / ۱۸۵-۱۸۶) نام او را ذکر نکرده و فقط گفته که ایشان دختری از دختران عبدالمطلب است و برخی دیگر گفته اند، ایشان دختر عقیل بن ابی طالب بوده است (نک. مرعشی، ۱۴۰۹: ۳۳ / ۶۶۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵ / ۴۶۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴ / ۸۸؛ ابن الجوزی، ۱۴۱۲: ۵ / ۳۴۴؛ قمی، ۱۴۲۱: ۳۸۰) اما ابومخنف در *وقعة الطف* (۱۴۱۷: ۲۷۳)، شیخ مفید در *الإرشاد* (۱۴۱۳: ۲ / ۱۲۴) ابن جوزی در *تلذکرة الخواص* (۱۴۱۸: ۲۴۰) به صراحت گفته اند که ایشان، زینب دختر عقیل بوده است.

اشعار ام لقمان

اشعار و مرثیه سرایی ایشان را منابع معتبری ذکر کرده اند که به برخی از آن موارد اشاره خواهد شد:

۱. سمعانی ابتدا واقعه تلخ مجلس شام را نقل کرده و می گوید در مجلس شام، یزید در حالی که ضربه برده ان امام حسین علیه السلام می زد گفت:

يفلقن هاما من رجال أعزة علينا وهم كانوا أعتق وأظلما^۱

سپس یزید کاروان اسراء را به مدینه فرستاد (سمعانی، ۱۳۸۲: ۸ / ۱۸۵-۱۸۶). البته در منابع آمده است، هنوز سخن یزید به پایان نرسانده بود که فردی به نام ابو برزه اسلمی، براو اعتراض کرد و به وی گفت: «آیا با چوب دستی ات برده ان حسین می کوبی؟ این چوب دستی تو برده ان او جای گرفته، من پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیده ام که آن را می بوسید، اما تو ای یزید! روز قیامت می آیی و ابن زیاد شفیع تو باشد ولی این می آید و محمد صلی الله علیه و آله شفیع اوست» (نک. شبرای، ۱۴۲۳: ۱۵۵؛ ابن کثیر، بی تا: ۸ / ۱۹۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵ / ۳۹۰). وقتی زنی از دختران عبدالمطلب آنها را زیارت و ملاقات کرد. در حالی که گریه می کرد این اشعار را سرود:

مَاذَا تَقُولُونَ إِنْ قَالَ النَّبِيُّ لَكُمْ مَاذَا فَعَلْتُمْ وَأَنْتُمْ آخِرُ الْأُمَمِ

۱. آن شمشیر سردانی را می شکافت که آن مردان برای ما بسی عزیز و گرامی بودند اگر چه نسبت بما عاق (قاطع رحم) و ستمگر بوده.

بِعْتَرْتِي وَأَهْلِي بَعْدَ مُفْتَقِدِي مِنْهُمْ أُسَارَى وَمِنْهُمْ ضُرِّجُوا بِدَمٍ
مَا كَانَ هَذَا جَزَائِي إِذْ نَصَحْتُ لَكُمْ أَنْ تَخْلُقُونِي بِسُوءِ فِي ذَوِي رَحِمِي

چه می‌گویید، اگر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به شما بگوید، چه کردید، در حالی که بهترین امتها هستید. با عترت و با یاران و ذریه‌ام که بعضی از آنان اسیر و بعضی کشته و آغشته به خون گشته‌اند. این سزای من نبود که برای شما دلسوزی نمودم و شما این چنین بعد از من با خویشاوندانم بدی کرده‌اید (سمعانی، ۱۳۸۲: ۸ / ۱۸۵ - ۱۸۶).

۲. ابو مخنف کوفی در کتاب مقتل خود می‌گوید، هنگامی که خبر شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به اهالی مدینه رسید ام‌لقمان، دختر عقیل بن ابی طالب با زنان مدینه بیرون آمد، در حالی که روسری خود را هنوز نیچیده بود و داشت بر سر می‌پیچید [با زبان شعرا] می‌گفت:

مَاذَا تَقُولُونَ إِنْ قَالَ النَّبِيُّ لَكُمْ مَاذَا فَعَلْتُمْ وَأَنْتُمْ آخِرُ الْأَمَمِ
بِعْتَرْتِي وَبِأَهْلِ بَعْدِ مُفْتَقِدِي مِنْهُمْ أُسَارَى وَمِنْهُمْ ضُرِّجُوا بِدَمٍ

اگر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به شما بگوید، شما که آخرین امت بودید بعد از من با عترت و خاندانم چه کرده‌اید که برخی اسیر و برخی بخون خود آغشته شده‌اند، چه خواهید گفت (ابو مخنف، ۱۴۱۷: ۲۷۳).

۳. شیخ مفید در الإرشاد نقل می‌کند، ام‌لقمان دختر عقیل بن ابی طالب چون خبر شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و همراهانش را شنید با سر و روی باز با خواهرانش ام‌هانی، اسماء، رمله، زینب، دختران عقیل از خانه بیرون آمده برای کشته‌های خود در کربلا می‌گریست و می‌گفت:

مَاذَا تَقُولُونَ إِذْ قَالَ النَّبِيُّ لَكُمْ مَاذَا فَعَلْتُمْ وَأَنْتُمْ آخِرُ الْأَمَمِ
بِعْتَرْتِي وَبِأَهْلِي بَعْدَ مُفْتَقِدِي مِنْهُمْ أُسَارَى وَمِنْهُمْ ضُرِّجُوا بِدَمٍ
مَا كَانَ هَذَا جَزَائِي إِذْ نَصَحْتُ لَكُمْ أَنْ تَخْلُقُونِي بِسُوءِ فِي ذَوِي رَحِمِي

چه پاسخ دهید اگر پیغمبر به شما بگوید: شما که آخرین امتها بودید چه کردید. با عترت و خاندان من پس از رفتن من؟ گروهی را اسیر کردید و دسته‌ای را بخون آغشتید؟ پاداش نصیحت‌های من این نبود که پس از من در باره نزدیکانم به بدی رفتار کنید؟

(مفید، ۱۴۱۳ ب: ۲ / ۱۲۴).

مضمون این عبارت در کتاب های معتبری همچون *كشف الغمة* (اربلی، ۱۳۸۱: ۲ / ۶۸)، *أعيان الشيعة* (امین، ۱۴۰۳ / ۱: ۶۲۲)، *بحار الأنوار* (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۱۲۳) و *روضه الواعظین* (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ / ۱: ۱۹۲-۱۹۳) آمده است.

۴. بلاذری در *أنساب الأشراف* می گوید، زینب دختر عقیل بن ابی طالب در کنار بقیع

برای شهادت طف عزادری و گریه کرد و این اشعار را سرود:

ما ذا تقولون إن قال النبي لكم	ما ذا فعلتم وأنتم آخر الأمم
بأهل بيتي وأنصاري أما لكم	عهد كريم أما توفون بالذمم
ذريتى وبنو عمى بمضيعة	منهم أسارى وقتلى ضربوا بدم
ما كان ذاك جزائي إذ نصحتكم	أن تخلفوني بسوء فى ذوى رحم

چه جواب پیامبر صلى الله عليه وآله را می دهید وقتی که از شما بپرسد شما امت آخر الزمان با اهل و اولاد من چه کردید؟ آیا شما عهد و پیمان ندارید؟ آیا وفای به عهد ندارید؟ اولاد و عموزادگان من در مرکز تلف و محلّ تباهی، بعضی از آنها اسیر و برخی کشتگان آغشته به خون شدند! این پاداش من نبود که خیرخواه شما بودم، پس از من با بستگان و خویشانم چنین بدرفتار کنید! (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳ / ۲۲۱).

این اشعار در کتاب های *جواهر العقدين* (السمهودی، ۱۴۰۵: ۳ / ۳۸۹) و *موسوعة كربلاء* (بیضون، ۱۴۲۷: ۲ / ۵۷۱) نیز آمده است. البته عزاداری و مرثیه سرایی بانوان اهل بیت علیهم السلام و زنان بنی هاشم فقط به عزاداری و سرودن شعر منحصر نشد، بلکه آنها همواره به طور مختلف عزادار بودند، چنانکه محدثان بعد از نقل اشعار ام لقمان در شهادت امام حسین علیه السلام به نقل روایت امام صادق علیه السلام پرداخته اند که آن حضرت فرمودند:

مَا اكْتَحَلَتْ هَاشِمِيَّةٌ وَلَا اخْتَصَبَتْ وَلَا رُئِيَ فِي دَارِ هَاشِمِيٍّ دُخَانٌ خَمْسَ حِجَجٍ حَتَّى قُتِلَ
عُبَيْدُ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ؛ (نک. شبر، ۱۴۰۹: ۱ / ۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۳۸۶؛ ابن نما حلی،
۱۴۱۶: ۱۴۴)

بعد از شهادت امام حسین علیه السلام زنی از بنی هاشم سرمه در چشم نکشید و خود را خضاب نفرمود و دود از مطبخ بنی هاشم برنخاست تا پس از پنج سال که

عبیدالله بن زیاد لعین به درک واصل شد.

یا در روایت دیگری فاطمه دختر امام علی علیه السلام فرمودند:

ما تحنأت امرأة منا ولا أجالت في عينها مرودا، ولا امتشطت حتى بعث المختار برأس
عبید الله بن زیاد» (شبر، ۱۴۰۹: ۱/ ۶۸-۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/ ۳۸۶).

در این روایت نوع عزاداری و سیره عملی زنان بنی هاشم در غم شهادت شهدای کربلا بیان شده است. لذا ایشان فرمودند، هیچ زنی از ما اهل بیت خضاب نکرد، روغن به خود نمالید، سرمه نکشید و موهایش را شانه نزد تا وقتی که سر عبیدالله بن زیاد را به نزد ما فرستادند.

عناصر تأثیرگذار در شعرا لقمان

شعریکی از ابزارهای مؤثر در تحریک احساسات دینی مردم و نیز از ابزارهای قوی و مؤثر در نشر افکار و عقاید است. بدین جهت مبلغان دینی می‌توانند با اشعار اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، مدایح و مراثی، سیاسی و حماسی اهداف و برنامه‌های تربیتی و تبلیغی خویش را پیش ببرند. خطیب، مبلغ یا مربی نیز با استفاده از اشعار زیبا، پرمغز و با مفاهیم بلند؛ می‌توانند احساسات و عواطف مخاطب و شنونده را برانگیزند. بنابراین نقل تاریخی، دختران عقیل پس از شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام و یارانش با مرثیه سرایی و سرودن اشعار در برانگیختن احساسات مردم و ایجاد تحوّل روحی در آنان نقشی به سزا داشتند (شاوی، ۱۳۸۶: ۶/ ۳۵۱). این پژوهش بر آن است تا دو عنصر مهم و تأثیرگذار شعرا لقمان را بررسی کند:

۱- انتخاب مکان

یکی از عناصر تأثیرگذار در شعر، مکان و موقعیت آن است. برخی به طور کلی گفته‌اند که مکان خواندن شعرا لقمان در مدینه بوده (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۲۷۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۴۰) اما بسیاری از مورخان و نویسندگان تصریح کرده‌اند که مکان این شعر در بقیع بوده است (نک. مغربی، ۱۴۰۹: ۳/ ۱۹۹؛ گنجی، ۱۴۰۴: ۴۴۱؛ مصعب، ۱۹۹۹: ۸۴-۸۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/ ۲۲۱). این واقعه در کنار بقیع اتفاق افتاد؛ جایی که



به طور معمول اکثر مردم به خاطر شرافت، اهمیت و عظمت آن مکان در آنجا رفت و آمد می‌کردند و بهترین فرصت برای ام لقمان و زنان هاشمی برای افشاگری بود. آنان موفق شدند هر چند کوتاه با مرثیه‌سرایی و سرودن شعر در زنده نگه داشتن واقعه عاشورا و نهضت حسینی سهیم باشند و موجب بیداری مردم مدینه و تحول جامعه شوند.

۲- زبان بدن و شعر

یکی از نکات مهم در مرثیه‌سرایی و سرودن شعر، توجه به زبان بدن یعنی هماهنگی کل بدن انسان با شعراست. شاعر در صورتی می‌تواند احساسات را تهییج کند که از حالت سکون و ایستایی خارج شود. بدین جهت مورخان و نویسندگان درباره زبان بدن و چگونگی بیرون آمدن و به حالت سرودن شعر توجه داشته و بیان کرده‌اند، لذا این موضوع سبب همراهی زنان هاشمی و مردم مدینه با ام لقمان و خواهران ایشان شد. گزارش‌های تاریخی این‌گونه واقعه را بیان کرده‌اند:

۱-۲. ابومخنف کوفی (۱۴۱۷: ۲۷۳) در کتاب مقتل خود می‌گوید، هنگامی که خبر شهادت امام حسین [علیه السلام] به اهالی مدینه رسید ام لقمان، دختر عقیل بن ابی طالب با زنان مدینه بیرون آمد، در حالی که روسری خود را هنوز نیپچیده بود و داشت بر سر می‌پچید. چنانکه مسعودی (۱۴۰۹: ۶۸ / ۳) نیز به آن اشاره کرده و گفته، ایشان با شنیدن خبر کشته شدن بزرگان، همراه با شماری دیگر از زنان قبیله اش پریشان موو سراسیمه بیرون آمد.

۲-۲. شیخ مفید (۱۴۱۳: ۱۲۴ / ۲) آن صحنه دردناک و جانسوز را این‌گونه گزارش کرده است، ام لقمان دختر عقیل بن ابی طالب چون خبر کشته شدن حسین و همراهانش را شنید سروروی باز با خواهرانش ام هانی، اسماء، رمله، زینب، دختران عقیل از خانه بیرون آمده برای کشته‌های خود در طف (کربلا) می‌گریست.

۳-۲. ابن جوزی در تذکرة الخواص (۱۴۱۸: ۲۴۰) و قندوزی در نایب الموده (۱۴۲۲: ۳ / ۴۷) به نقل از واقدی می‌گویند: «چون اسیران به مدینه رسیدند، هیچ کس در مدینه باقی نماند و همگی گریه و شیون کنان بیرون آمدند. زینب دختر عقیل نیز با روی باز و موی پریشان بیرون آمد و فریاد می‌زد: وا حسینا! وا اخوتا وا اهلاه، وا محمدا!».»

۲-۴. علامه مجلسی در *جلاء العیون* آورده، ام لقمان دختر عقیل بن ابی طالب با خواهران خود صدا به نوحه و زاری بلند کردند و بر سید الشهداء علیه السلام و شهیدان دیگر می‌گریستند و مرثیه‌ها می‌خواندند. به روایت دیگر: زینب دختر عقیل گیسوهای خود را پریشان کرد، خوناب اشک از دیده روان کرد و می‌گفت: ای کافران بی‌حیا چه خواهید گفت در جواب سید انبیا در وقتی که از شما پرسد که چه کردید با عترت برگزیده من بعد از من؟ و به چه جهت ایشان را کشتید و اسیر کردید؟ آیا این بود جزای نیکی‌های من؟ ناگاه در میان هوا مرثیه‌ها شنیدند که کسی می‌خواند برای آن امام مظلوم و او را نمی‌دیدند. چون شب شد، از هر طرف اشعار و مراثی بسیار بر آن امام اخیار و شهید تیغ اشرار از جثیان می‌شنیدند (مجلسی، ۱۳۸۲: ۷۲۴).

۲-۵. ابن نما حلی در *مثیر الأحران* (۱۴۰۶: ۹۵) می‌گوید: چون دو فرستاده یزید به مدینه رسیدند، زنی از دختران عبدالمطلب با موی پریشان بیرون آمد - که گویند وی زینب دختر عقیل بوده است -؛ و آستینش را بالای سر نهاده بود و چون به آنها رسید در حالی که می‌گریست [به عزاداری و مرثیه‌سرایی پرداخت].

نتیجه

این مقاله به بررسی بانوان مرثیه‌سرای اهل بیت علیهم السلام که در شهادت امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا با اشعار حماسی خود در سوگ امام حسین علیه السلام عزاداری کردند، پرداخت. یکی از راه‌های زنده نگه داشتن نهضت حسینی، مرثیه‌سرایی و سرودن اشعار عاشورایی است. بدین جهت شاعران با اشعار حماسی خود نقش مهمی در تبیین نهضت حسینی ایفاء کردند. در میان بانوان هاشمی، ام سلمه نخستین کسی بود که در مدینه برای امام حسین علیه السلام سوگواری و عزاداری کرد. دختران عقیل بن ابی طالب با اشعار خود به عزاداری و سوگواری پرداختند که یکی از دختران ایشان ام لقمان است، وی پس از شنیدن خبر شهادت امام حسین علیه السلام با اشعار حماسی خود در بقیع با حضور خواهرانش و مردم مدینه، مجلس عزاداری تشکیل داد و تحول روحی و معنوی در میان مردم به وجود آورد. در اشعار ام لقمان دو عنصر مهم و اثرگذار همچون انتخاب مکان شعرگفتن و توجه

به زبان بدن باعث برانگیختن احساسات مردم و ایجاد تحوّل روحی در میان مردم
مدینه شد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن ابی الکرّم (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار
صادر - دار بیروت.
- ابن الجوزی، ابو الفرج (۱۴۱۲)، *المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک*، بیروت، دار الکتب
العلمیة.
- ابن المغازلی، علی بن محمد الجلابی (۱۴۲۴)، *مناقب الإمام علی بن أبی طالب*،
بیروت، دار الأضواء.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶)، *ثواب الأعمال وعقاب الأعمال*، قم، دار الشریف
الرضی للنشر.
- ابن جوزی، سبط (۱۴۱۸)، *تذکرة الخواص*، قم، منشورات الشریف الرضی.
- ابن طاوس، سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر (۱۳۴۸)، *التهوف علی قتلی
الطفوف*، تهران، جهان.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶)، *کامل الزیارات*، نجف اشرف، دار المرتضویة.
- ابن کثیر دمشقی (بی تا)، *البدایة والنهاية*، بیروت، دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر و
التوزیع - دار صادر.
- ابن نما حلی (۱۴۰۶)، *مثیر الأحزان*، قم، مدرسة الإمام المهدي
- (۱۴۱۶)، *ذوب النصار فی شرح الثار*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
- ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی (۱۴۱۷)، *وقعة الطّف*، قم، جامعه مدرسین.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز، بنی هاشمی.
- اعلمی حائری، محمد حسین (۱۴۰۷)، *تراجم أعلام النساء*، بیروت، مؤسسة الأعلمی

للمطبوعات.

- امين، محسن (١٤٠٣)، أعيان الشيعة، بيروت، دار التعارف للمطبوعات.
- أهل البيت في مصر، عدة من الباحثين- اعداد سيد هادي خسروشاهي (١٤٢٧)، تهران، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية- المعاونة الثقافية- مركز التحقيقات والدراسات العلمية.
- بلاذري، احمد بن يحيى (١٤١٧)، أنساب الأشراف، بيروت، دار الفكر.
- بيضون، لبيب (١٤٢٧)، موسوعة كربلاء، بيروت، مؤسسة الاعلمي.
- تاريخ امام حسين عليه السلام = موسوعة الإمام الحسين عليه السلام (١٣٧٨)، گروهی از نویسندگان، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (١٤١٤)، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، دار الفكر.
- حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (١٤١٠)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (١٤١٣)، قرب الإسناد، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
- دهنخدا، علی اکبر (١٣٧٧)، لغت نامه دهنخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- سماوی، محمد بن طاهر (١٤١٩)، إیصار العین، قم، دانشگاه شهید محلاتی.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (١٣٨٢)، الأنساب، ١٣ جلد، هند - حیدرآباد، مطبعة مجلس، دائرة المعارف العثمانية.
- السمهودی، علی بن عبدالله الحسن (١٤٠٥)، جواهر العقدين فی فضل الشرفین، بغداد، مطبعة العانی.
- شاوی، علی (١٣٨٦)، با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه، قم، زمزم هدایت.
- شبّر، جواد (١٤٠٩)، ادب الطف، بيروت، دار المرتضی.
- شبرای، جمال الدین (١٤٢٣)، الإتحاف بحب الأشراف، قم، دار الکتاب.
- شجاعی، محمد (١٣٨٥)، عزادار حقیقی، قم، نشر محیی.
- طبری، أبو جعفر محمد بن جریر (١٣٨٧)، تاریخ الأمم والملوک، تحقیق محمد أبو

- الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴)، *الأملی*، قم، دار الثقافة.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
- عاملی، شیخ حر محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، *روضة الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، انتشارات رضی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲)، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- قمی، شیخ عباس (۱۴۲۱)، *نفس المهموم*، نجف، المكتبة الحیدریة.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲)، *ینایع المودة لذوی القربی*، قم، منظمة الاوقاف و الشؤون الخیریة، دار الأسوة للطباعة و النشر.
- گنجی شافعی، محمد بن یوسف (۱۴۰۴)، *کفایة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب*، تهران، دار إحياء تراث أهل البيت علیهم السلام.
- مامقانی، عبدالله (بی تا)، *تنقيح المقال فی علم الرجال (رحلی)*، [بی جا، بی نا] (نرم افزار رجال شیعه).
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۸۲)، *جلاء العیون: تاریخ چهارده معصوم*، قم، سرور.
- _____ (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- محدثی، جواد (۱۳۷۶)، *فرهنگ عاشورا*، قم، نشر معروف.
- مرعشی التستری، قاضی نور الله (۱۴۰۹)، *إحقاق الحق وإزهاق الباطل*، قم، مكتبة آية الله المرعشی النجفی.
- مسعودی، أبوالحسن علی بن الحسين بن علی (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة.
- مصعب بن عبد الله (۱۹۹۹)، *کتاب نسب قریش*، مصر- قاهره، دار المعارف.
- مظفری، محمد (۱۳۸۳)، *اسیران و جانبازان کربلا (به ضمیمه زنان نقش آفرین در نهضت*

- عاشوراء، قم، فراز انديشه.
- مغربي، ابن حيون (١٤٥٩)، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، قم، جامعه مدرسين.
- مفيد، محمد بن محمد (١٤١٣ الف)، الأمالي، قم، كنگره شيخ مفيد.
- _____ (١٤١٣ ب)، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، قم، كنگره شيخ مفيد.
- مقرم، عبدالرزاق (١٤٢٦)، مقتل الحسين عليه السلام، بيروت-لبنان، مؤسسة الخرسان للمطبوعات.
- نجفي، محمد حسن (١٤٥٤)، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، بيروت-لبنان، دار إحياء التراث العربي.
- نوري، حسين بن محمد تقى (١٤٥٨)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
- هاشمي شاهرودي، محمود (١٣٨٢)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت عليهم السلام.
- يعقوبي، احمد بن أبي يعقوب بن جعفر بن وهب (بي تا)، تاريخ اليعقوبي، بيروت، دار صادر.

